فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc480193205)

[تغییر مقدر الهی در نسخ و بداء 2](#_Toc480193206)

[اصطلاحات در نسخ 2](#_Toc480193207)

[اصطلاح رایج در نسخ و بداء 2](#_Toc480193208)

[افتراق معنایی در اجتماع نسخ و بداء 3](#_Toc480193209)

[وجه مشترک نسخ و بداء 3](#_Toc480193210)

[نسخ و بداء در موالی عرفی 3](#_Toc480193211)

[انواع نسخ و بداء در موالی عرفی 3](#_Toc480193212)

[ظهور بعد الخفاء یا اظهار بعد الاخفاء 4](#_Toc480193213)

[تفاوت قسم اول و دوم 4](#_Toc480193214)

[اشکال نسخ و بداء در فاعل حقیقی 4](#_Toc480193215)

[توضیح اشکال 4](#_Toc480193216)

[دو جواب از اشکال بداء 5](#_Toc480193217)

[بداء در روایات و از منظر بزرگان 5](#_Toc480193218)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ بداء**

# اشاره

در پایان مبحث دوران امر بین نسخ و تخصیص در بعضی از کتب اصولی مسئله بداء مطرح شده است.

# تغییر مقدر الهی در نسخ و بداء

بیان‌شده که نسخ و بداء؛ تغییر مقدر الهی است، نسخ در تشریعیات و بداء در تکوینیات است، دو واژه نسخ و بداء از قبیل واژگان «**اذا اجتمعا افترقا و اذا افترقا اجتمعا**» هستند، به‌عبارت‌دیگر هر یک از نسخ و بداء چند اصطلاح دارند.

# اصطلاحات در نسخ

1. اصطلاح عام نسخ که شامل تغییر مقدر خداوند در تکوینیات و تشریعیات است.
2. گاهی نسخ فقط در تشریعیات به کار می‌رود.

3- گاهی نسخ فقط در تکوینیات به کار می‌رود: «**ما نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلي کُلِّ شَيْ ءٍ قَديرٌ**»[[1]](#footnote-1)

لذا سه اصطلاح در نسخ وجود دارد.

# اصطلاح رایج در نسخ و بداء

اصطلاح دوم؛ اصطلاح رایج‌تری در نسخ است، در بداء این سه احتمال وجود دارد، گرچه شاید یکی از این سه در آن بکار نرفته باشد، در بداء اصطلاح عام که تکوینیات و تشریعیات را در برمی‌گیرد، وجود دارد، اصطلاح خاصی هم امکان دارد داشته باشد که بداء را فقط در تشریعیات بیان کند، اما اصطلاح خاص سوم که اختصاص بداء به تکوینیات است، بسیار رایج است.

# افتراق معنایی در اجتماع نسخ و بداء

اگر این دو اصطلاح در کنار یکدیگر واقع شوند، نسخ معنای تشریعیات و بداء معنای تکوینیات می‌گیرد و کاملاً از یکدیگر جدا می‌شوند، زمانی که مستقلاً هر یک از این‌ها ذکر شوند، ممکن است یکی از دو معنای دیگر در هر یک از نسخ و بداء مقصود باشد. پس در نسخ و بداء، تعدد اصطلاحات است و اصطلاح جاافتاده امروز استعمال نسخ در تشریعیات و بداء در تکوینیات است.

# وجه مشترک نسخ و بداء

نسخ و بداء وجه مشترکی دارند و آن مقسم و وجه مشترک؛ تبدل چیزی است که وجود داشته و مقدر و مقرر بوده است، اینکه مقدر و مقرری تبدل پیدا کرده است.

# نسخ و بداء در موالی عرفی

نسخ و بداء در موالی عرفی و در قانون‌گذارها و کسانی که فاعل فعلی در اعمال تکوینی هستند، خواه در قانون‌گذاری تشریع و خواه در اعمال و اقدامات و برنامه‌های عملی که انسان‌ها و فاعل‌های مختار دارند، غالباً به نوعی جهل برمی‌گردد و ظهور امری بعد از خفا است که به علت آن تصمیم عوض می‌شود.

# انواع نسخ و بداء در موالی عرفی

دو نوع نسخ و بداء وجود دارد:

1- نوع اول نسخ در موالی عرفی، ظهور بعد از خفا است، خواه در قانونی که قرار داده شده؛ مطلق گذاشته شده، بعد اطلاع پیدا شد که این قانون تا یک زمان خاصی قابل اجرا بوده، از ابتدا برنامه این‌طور بود که همیشه این قانون ادامه داشته باشد، بعد روشن شد که این عمل یا قانون تا مدت‌زمان معینی قابل‌اجرا است، لذا در عمل رفتار تغییر پیدا می‌کند، برای اینکه مطلبی در خفا بود و بعد روشن شد و به خاطر آن امر خفی که روشن شد؛ عمل تغییر پیدا کرد.

2- نوع دوم در موالی عرفی این است که مطلب مخفی برای قانون‌گذار نبود، اما زمانی که قانون را وضع کرد؛ اعلام نکرد، ظاهر آن قانون مطلق بود و همه فکر می‌کردند که تا پایان بنا هست که این قانون به همین صورت باشد، زمانی که موقع تبدل قانون رسید، قانون‌گذار؛ قانون جدید را بیان می‌کند، در اینجا اظهار بعد از اخفاء است، به خاطر یک مصلحتی از ابتدا تغییر قانون را اعلام نکرد.

لذا در موالی عرفی یا فاعل‌های مختار متعارف؛ نسخ و بداء وجود دارد، اما نسخ و بداء به هر دو معنای آن هستند:

# ظهور بعد الخفاء یا اظهار بعد الاخفاء

1- نسخ در تشریعیات و بداء در تکوینیات وجود دارد که ظهور بعد الخفاء به خاطر جهل قانون‌گذار یا فاعل است.

1. قسم دوم اظهار بعد الاخفاء است، خود فاعل مختار یا قانون‌گذار علم به قانون داشت که تا چه زمانی کاربرد دارد.

# تفاوت قسم اول و دوم

در قسم اول تبدل در ذات فاعل یا مقنن رخ داده است، تبدلش این هست که جاهل بود و عالم شد، در مقام صفت ذات او تغییری پیدا شد، اما در قسم دوم در مقام فعل مقنن است و اظهار بعد اخفا است، قسم اول تبدل و تغیر در صفت ذات اوست، در قسم دوم تبدل در صفت فعل اوست.

# اشکال نسخ و بداء در فاعل حقیقی

در مورد فاعل حقیقی و خداوند متعال، اشکالی در بداء وجود دارد و آن اشکال این است که بدا را نمی‌شود به خداوند نسبت داد و این اسناد بدا معاذ الله اسناد جهل به خداوند است.

## توضیح اشکال

این اشکال اختصاص به بداء ندارد و در نسخ هم وجود دارد، اسناد بداء به خداوند تبارک‌وتعالی مستلزم اسناد جهل به خدا است، این اشکالی است که عامه به خاصه دارند، فخر رازی در تفسیر و دیگران هم این مطلب را بیان کرده‌اند.

یکی از اشکالاتی که از سوی عامه به شیعه وارد شده است این است که شیعیان قائل به بداء هستند. در روایات تعابیر بلندی در مورد بداء هست، کسی که معتقد به بداء نباشد، توحید حقیقی ندارد که در کافی، خصال و بحار نقل شده است و اینکه بداء از معتقدات شیعه هست.

اشکالی که فخر رازی و ابن تیمیه بر شیعه وارد کرده‌اند این است که شیعه بداء را قبول دارد و بداء معاذ الله اسناد جهل به خداوند است و درنتیجه اسناد جهل به خداوند موجب کفر است، لذا یکی از پایه‌های تکفیر شیعه توسط عامه، اعتقاد به بداء است.

# دو جواب از اشکال بداء

دو جواب برای این اشکال قابل‌طرح است:

1- جواب نقضی است که این مشکل در نسخ هم وجود دارد و اهل سنت قائل به نسخ هستند.

2- جواب حلی این است که نسخ و بداء بر دو قسم است:

1- نسخ و بداء ظهور بعد از خفا است که در شارع حقیقی معقول نیست.

2- نسخ و بداء اظهار بعد از اخفا است، این مطلب مستلزم اسناد جهل به شارع حقیقی نیست.

# بداء در روایات و از منظر بزرگان

مطلب پنجم این است که به لحاظ مقام تحلیل که بیان می‌شود، در کلمات شیعه مسئله از اول مورد توجه بوده است.

مرحوم مفید، سید مرتضی، بزرگان متقدمین به‌صراحت می‌گویند که منظور از بداء در میان ما شیعیان مقصود اسناد جهل به خداوند تبارک‌وتعالی نیست، خود این بزرگان می‌فرمایند که اگر کسی این مطلب را بگوید کفر است و روایات این مطلب ذکرشده، در بحار جلد چهارم این باب ذکر شده است.

مطلب بعدی این است که فلسفه این اظهار و اخفا چیست؟

1. - سوره مبارکه بقره آیه 106 [↑](#footnote-ref-1)